

بررسی نقش حمایت اجتماعی و مصرف ورزش در تبیین مشارکت ورزشی (مطالعه‌ای درباره زنان استان ایلام)

علی نوروزی*، امیر ملکی**، مهربان پارسامهر***، حمید قاسمی****

(تاریخ دریافت ۹۶/۰۸/۱۳، تاریخ پذیرش ۹۷/۰۱/۱۵)

چکیده: هدف تحقیق حاضر بررسی نقش حمایت اجتماعی و مصرف ورزش در تبیین مشارکت ورزشی زنان است. این تحقیق با استفاده از روش پیمایش انجام شده است. داده‌ها از طریق پرسش‌نامه جمع‌آوری، استخراج و تحلیل شد. جامعه آماری تحقیق را زنان ۱۹ سال به بالای استان ایلام با حجم نمونه ۵۰۰ نفر تشکیل داده‌اند. نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای شناسایی شدند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمودن الگوی تحقیق، از رگرسیون تک‌متغیره و الگوسازی معادله‌های ساختاری با نرم‌افزار آموس استفاده شده است. نتایج نشان داد که زنان استان ایلام به ترتیب در ورزش حرفه‌ای (۱۵ درصد)، ورزش منظم (۱۸٫۸ درصد)، ورزش سلامت‌محور (۱۷ درصد)، ورزش تفریحی (۱۵٫۲ درصد) و فعالیت بدنی کم و نامنظم (۸ درصد) مشارکت دارند. علاوه بر این، ۲۶ درصد زنان هیچ فعالیت ورزشی‌ای ندارند. میانگین مشارکت ورزشی زنان استان ایلام ۱۲۵ دقیقه بوده در هفته و دامنه آن برای افراد ورزشکار بین ۱۰ تا ۶۰۰ دقیقه نوسان داشته است. نتایج تحلیلی تحقیق حاکی از این است که حمایت اجتماعی و مصرف ورزش توانسته‌اند به ترتیب ۰٫۵۳ و ۰٫۴۶ و در مجموع به‌طور معناداری تا ۰٫۶۲ از واریانس مشارکت ورزشی زنان را پیش‌بینی کنند.

واژگان کلیدی: حمایت اجتماعی، مصرف ورزش، مشارکت ورزشی، زنان، ایلام.

* . دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، ایران، تهران

alinooralivand@yahoo.com

** . دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، ایران (نویسنده مسئول)

a_maleki@pnu.ac.ir

parsamehr@yazd.ac.ir

*** . دانشیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، ایران، یزد

ghasemione@yahoo.com

**** . دانشیار گروه تربیت بدنی دانشگاه پیام نور، ایران، تهران

بیان مسئله

بررسی نقش جنسیت در چگونگی گذران اوقات فراغت کار مشکلی است. اغلب زنان اوقات فراغت و دامنه‌ی انتخاب کمتری نسبت به مردان دارند. برای نمونه، فضاها و امکانات اختصاصی گذراندن اوقات فراغت زنان در مقایسه با مردان کمتر است. در اغلب جوامع مانند ایران، بیشتر مسئولیت خانواده به‌عهده‌ی زنان است. از دلایل تفاوت گذران اوقات فراغت زنان و مردان، مواجهه‌ی زنان با ارزش‌ها، سنت‌ها و اعتقادات با جنبه‌های خاص است. در این سنت‌ها، دختران در گذران اوقات فراغت به‌اندازه‌ی پسران آزادی عمل ندارند (تجاری، ۱۳۹۴: ۹۸-۹۹).

از دیدگاه دوفرانس (۱۳۸۵)، نابرابری فرصت‌های دست‌یابی به ورزش‌ها در مطالعه‌ی مشارکت زنان به‌اثبات رسیده است. از اواخر قرن نوزدهم تا امروز، جایگاه زنان در ورزش، حتی در هنگام برابری بقیه‌ی امکانات، پایین‌تر از جایگاه مردان بوده است. به‌نظر می‌رسد در جهان معاصر، که یکی از شاخص‌هایش مبارزه برای تغییر پایگاه زنان است، دنیای ورزش غالباً همچون خاکریز مقاومت در پشتیبانی از فرهنگ مردانه عمل می‌کند.

از دیدگاه چالاباev^۱ و همکاران (۲۰۱۳)، تفاوت‌های جنسیتی در میزان مشارکت ورزشی در اغلب کشورها از جمله آمریکا، چین و ترکیه وجود دارد. اگرچه در برخی کشورها مانند هلند و کشورهای اسکاندیناوی، میزان مشارکت ورزشی زنان بیش از مردان است، در مجموع، در اکثر کشورهای اروپایی نیز مشارکت ورزشی مردان بیش از زنان است. در ایران هم مشارکت ورزشی مردان بیش از زنان است.^۲ مطالعات مقدماتی محقق نشان می‌دهد که در استان ایلام، علاوه‌بر تفاوت در میزان مشارکت ورزشی زنان و مردان، برخی از زنان به‌دلیل تعلقات گروهی خاص (برای مثال تعلق قومی) و تبعیت از الگوهای فرهنگی متفاوت و در نتیجه برخورداری از حمایت‌های اجتماعی (خانواده و دوستان)، مشارکت ورزشی بیشتری نسبت به زنان دیگر دارند. برخی از خانواده‌ها، به‌دلیل نگرش سنتی به نقش زنان در خانواده و جامعه، به مشارکت زنان و دخترانشان در فعالیت‌های ورزشی تمایلی ندارند، درحالی‌که به‌نظر می‌رسد گروهی از دختران و زنان ایلامی نه‌تنها اسیر نگرش‌های سنتی نیستند، بلکه تحت حمایت خانواده، دوستان و گروه‌های قومی قرار دارند.

نتایج برخی از تحقیقات نشان می‌دهد که باورهای مثبت و دریافت حمایت‌های اجتماعی به سازگاری شخصی و اجتماعی دختران منجر می‌شود. از آنجاکه ورزشکاران در معرض شکست و افت عملکرد قرار می‌گیرند، اگر فاقد مهارت‌های مقابله‌ای مناسب و حمایت اجتماعی باشند، اطمینان به

1. Chalabaev

۲. طبق آمار سازمان پزشکی ورزشی، ورزشکاران سازمان‌یافته‌ی زنان در استان ایلام، حدود ۲ درصد کل جمعیت و ۵ درصد جمعیت زنان و نسبت ورزشکاران زن به مرد تقریباً یک‌دوم است که نشان می‌دهد مشارکت ورزشی زنان در مقایسه با مردان کمتر است.

نفس و عزت نفس آنها در معرض تهدید قرار خواهد گرفت. همین‌طور، از آنجاکه زنان، در مقایسه با مردان، ارتباط نزدیکی با خانواده و دوستان دارند، بیشتر تمایل دارند که درصد کسب حمایت اجتماعی برآیند. این افراد در نتیجه حمایت اجتماعی در نوتوانی و تعهد مثبت‌تر عمل می‌کنند و بهبود بیشتری در خودکارآمدی نشان می‌دهند (صفرزاده، ۱۳۸۹: ۷۸-۸۰). البته، هنوز میزان آثار حمایت اجتماعی بر مشارکت ورزشی دقیقاً مشخص نشده است و نمی‌توان گفت چگونه حمایت اجتماعی به فرد کمک می‌کند، اما شاید بتوان گفت که حمایت اجتماعی، اولاً، با تبدیل موقعیت‌ها به اوضاعی که کمتر تهدیدکننده تلقی می‌شود، جلوی آثار تنیدگی را می‌گیرد و ثانیاً، باعث می‌شود که تنیدگی کمتر به واکنش‌های زیان‌آور بدنی منجر شود (خداپناهی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۲۵). با این توضیحات، در تحقیق حاضر این موضوع بررسی خواهد شد که متغیر حمایت اجتماعی و ابعاد آن چه تأثیری بر مشارکت ورزشی زنان در جامعه سنتی ایلام دارد.

در بحث از مشارکت ورزشی، این پرسش اساسی نیز مطرح است که آیا رسانه‌ها باعث می‌شوند افراد حضور فعال‌تری در ورزش داشته باشند یا خیر. افراد بیش از قبل تلویزیون تماشا می‌کنند و چاقی به بالاترین حد خود رسیده است. این مطلب به معنای آن نیست که تماشای فعالیت‌های ورزشی در تلویزیون باعث چاقی و مشکلات سلامت همراه با چاقی می‌شود، بلکه به معنای آن است که ما باید درباره احتمال ارتباط بین این دو عامل تحقیق کنیم (کوکلی، ۱۳۸۶: ۲/۱۷۹). در واقع، باید ببینیم آیا تماشای برنامه‌های ورزشی به‌طور خاص و مصرف ورزش، به معنای استفاده از منابع ورزش، اعم از اینترنت، کتاب‌های ورزشی، مجله‌ها و روزنامه‌ها، تلویزیون، رادیو یا حتی تماشای فعال رقابت‌ها در سالن‌های ورزشی، به افزایش مشارکت منجر خواهد شد، یا برعکس، در نتیجه مصرف ورزش تحرک افراد کمتر می‌شود و مشارکت ورزشی کاهش می‌یابد؟

پیشینه پژوهش

مشارکت ورزشی زنان به مثابه پدیده‌ای اجتماعی در کانون توجه جامعه‌شناسان بوده و تحقیقات متعددی در این باره در داخل و خارج کشور انجام شده است. در این تحقیقات به عوامل متعددی در تبیین مشارکت ورزشی توجه شده است. پایگاه اقتصادی-اجتماعی، سرمایه اجتماعی، سبک زندگی، تصویر بدن، مدیریت بدن و مصرف ورزش از مهم‌ترین متغیرهایی است که از دیدگاه محققان در تبیین این پدیده اجتماعی نقش دارند. درباره موضوع تحقیق حاضر، که بررسی رابطه حمایت اجتماعی و مصرف ورزش با مشارکت ورزشی زنان است، کارهایی انجام شده است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

جدول ۱. پژوهش‌های انجام‌شده درباب رابطه‌ی حمایت اجتماعی و مصرف ورزش با مشارکت ورزشی

شرح مختصر تحقیق	تحقیقات انجام‌شده	نوع تحقیق
طبق نتیجه‌ی تحقیقات، افرادی که از حمایت اجتماعی بیشتری برخوردارند، بیشتر در ورزش مشارکت می‌کنند. حمایت اجتماعی شامل ابعاد مختلفی، از جمله عاطفی، ابزاری و اطلاعاتی، است. همین‌طور، خانواده، هم‌سالان، مراکز آموزشی و رسانه‌های جمعی مهم‌ترین منابع تأمین حمایت اجتماعی تلقی می‌شوند. خانواده و هم‌سالان، از طریق برقراری ارتباط عاطفی، همراهی در فعالیت ورزشی، فراهم‌کردن فرصت مشارکت در ورزش و رفع موانع موجود، به مشارکت زنان در ورزش کمک می‌کنند. مهم‌ترین نقش رسانه‌ها در حمایت از زنان آگاه‌کردن زنان از فواید ورزش و تبلیغ و اطلاع‌رسانی است. مصرف خبری ورزش شامل استفاده از تلویزیون، رادیو، مجلات، اینترنت و... (مصرف منفعل) و حضور در مجموعه‌های ورزشی برای تماشای رقابت‌های ورزشی (مصرف فعال) تأثیر بسزایی در میزان مشارکت ورزشی دارد.	نقدی و همکاران (۱۳۹۰)، عریضی و همکاران (۱۳۸۵)، قانعی و همکاران (۱۳۸۹)، فتاحی (۱۳۸۸ و ۱۳۸۴)، صفرزاده (۱۳۸۹)، پارسامهر و نیک‌نژاد (۱۳۹۰)، حسینی و همکاران (۱۳۹۲)، مازیاری و همکاران (۱۳۹۲)، صادقیان و همکاران (۱۳۹۳)، ضیاءپور و کیانی‌پور (۱۳۹۱)، قاسم‌نژاد (۱۳۸۹)، پارسامهر و جسمانی (۱۳۹۰)، معین‌الدینی و صنعت‌خواه (۱۳۹۱)، قاسمی سیانی و همکاران (۱۳۹۴)، جونز و مور (۲۰۱۲)، برگر و ریلی (۲۰۰۸)، لیندستروم (۲۰۱۱)، لسلی و کرین (۲۰۰۸)، دالمن و لوییز (۲۰۱۰)، پاتنام (۲۰۰۰)	بررسی رابطه‌ی حمایت اجتماعی و مصرف ورزش با مشارکت ورزشی

تحقیقات پیشین ازجهت‌های گوناگون راهنمای پژوهش حاضرند. مطالعات خارجی در حوزه جامعه‌شناسی ورزش رویکردهای نظری مناسبی را به‌منظور تبیین مشارکت ورزشی درمیان عموم و به‌ویژه زنان در دسترس می‌گذارد. مطالعات داخلی سیمای نسبتاً روشن و آشکاری در زمینه‌ی عوامل مؤثر بر مشارکت ورزشی در ایران ارائه داده‌اند و آن را به‌مثابه‌ی مسئله‌ای اجتماعی و درخور بررسی مطرح می‌کنند.

با مطالعه‌ی تحقیقات انجام‌شده در حوزه‌ی مشارکت ورزشی به این نتیجه می‌رسیم که بیشتر تحقیقات انجام‌شده در ایران به‌روش کمی و به‌شکل پیمایشی بوده است و درکنار بررسی میزان مشارکت ورزشی، برخی از عوامل مؤثر بر آن شناسایی شده است. جامعه‌ی آماری این تحقیقات عموماً استان یا شهرستانی خاص بوده است و به‌جز تحقیق تندنویس (۱۳۸۰)، که در گستره‌ی کشوری انجام شده و البته بخشی از آن به‌سنجش مشارکت ورزشی مربوط است، بقیه‌ی تحقیقات به یک منطقه‌ی خاص محدود است. البته، در برخی تحقیقات، گروهی خاص، مثل زنان، دانشجویان و پرستاران به‌منزله‌ی جامعه‌ی آماری انتخاب و بررسی شده‌اند و در برخی دیگر کل افراد جامعه تحت مطالعه قرار گرفته‌اند.

اما در تحقیقات خارجی تفاوت‌هایی وجود دارد؛ چراکه از روش‌های متنوعی برای بررسی مشارکت ورزشی استفاده کرده‌اند. مهم‌ترین ویژگی‌های تحقیقات خارجی به شرح ذیل است:

۱. دسته‌ای از محققان با استفاده از روش پیمایشی و با بررسی کل جامعه آماری، بیشتر درصدد سنجش میزان مشارکت ورزشی در جامعه و نیز آزمون فرضیه‌ها درباب رابطه بین برخی متغیرهای اساسی (پایگاه اقتصادی- اجتماعی، سرمایه اجتماعی، حمایت اجتماعی و...) با مشارکت ورزشی بوده‌اند. این دسته از محققان، مفهوم مشارکت ورزشی را در معنای عام بررسی کرده و به عبارتی، ورزش را مترادف ورزش همگانی یا فعالیت‌های بدنی منظم و امثال آن در نظر گرفته‌اند (برای نمونه، اسلیتر و تیگمان، ۲۰۱۱؛ دالمن و لوییز، ۲۰۱۰؛ پاستور و همکاران، ۲۰۰۳؛ ریس و سابیا، ۲۰۱۰؛ پی‌فیفر و همکاران، ۲۰۰۶؛ سیپل، ۲۰۰۶؛ لیندستروم و همکاران، ۲۰۰۱؛ آلیسون و همکاران، ۱۹۹۹).

۲. دسته دیگری از محققان با مطالعه عمیق گروهی از ورزشکاران (مطالعه کیفی)، سعی کرده‌اند ویژگی‌های جامعه‌شناختی‌ای را شناسایی کنند که آنها را از افراد عادی متمایز می‌کند. گرایش افراد به ورزش‌های مختلف نیز برحسب متغیرهایی چون پایگاه اقتصادی- اجتماعی و سبک زندگی بررسی شده‌اند (برای نمونه، اسکینر و زاکوس، ۲۰۰۸؛ چالاباو و همکاران، ۲۰۱۳؛ لیم و همکاران، ۲۰۱۱).

۳. برخی از محققان با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های موجود به بررسی و مقایسه میزان مشارکت ورزشی در بین گروه‌ها و جوامع مختلف پرداخته‌اند و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن را ارتباط با برخی متغیرها سنجیده‌اند (برای نمونه، کاروسو، ۲۰۱۱؛ هوانگ و هامفریس، ۲۰۱۲).

۴. برخی از محققان با استفاده از روش تلفیقی (کمی، کیفی و تحلیل ثانویه)، درکنار استفاده از روش پیمایشی، برای شناخت وضعیت مشارکت ورزشی در جامعه‌ای خاص، از روش کیفی برای شناخت دقیق و عمیق مشارکت ورزشی گروه‌های مختلف استفاده کرده‌اند (برای نمونه، تانتز، ۲۰۰۵؛ برگر و همکاران، ۲۰۰۸؛ لسلی و کرین، ۲۰۰۸).

علاوه بر موارد پیش‌گفته، جامعه آماری تحقیقات خارجی، برخلاف تحقیقات داخلی، از گستره وسیع‌تری برخوردار است؛ به طوری که برخی از این تحقیقات (لیم و همکاران، ۲۰۱۱) به بررسی مشارکت ورزشی فراتر از مرزهای ملی و در بین چند کشور می‌پردازد. برخی دیگر از تحقیقات (تانتز، ۲۰۰۵؛ کاروسو، ۲۰۱۱؛ برگر و ریلی، ۲۰۰۸؛ دالمن و لوییز، ۲۰۱۰؛ هوانگ و هومفریس، ۲۰۱۲ و...) در گستره ملی انجام شده‌اند، و تعدادی از تحقیقات (لسلی و کرین، ۲۰۰۸؛ پاستور و همکاران، ۲۰۰۳؛ پی‌فیفر و همکاران، ۲۰۰۶ و...) نیز به بررسی مشارکت ورزشی در یک ایالت یا شهر پرداخته‌اند. همین‌طور، این تحقیقات، با وجود استفاده از روش‌های کیفی، مانند تحقیقات داخلی، بیشتر از نوع کمی و پیمایشی بوده‌اند.

مطالعه حاضر، با در نظر گرفتن قوت‌ها و ضعف‌های تحقیقات پیشین و با اتخاذ رویکردی علمی و استفاده مناسب از نظریه‌های جامعه‌شناختی، در پی تبیینی واقع‌گرایانه خواهد بود. به این منظور، با طراحی و به‌کارگیری شاخص‌ها و مقیاس‌های متناسب با موضوع، سعی خواهد شد تحلیل و شناخت مناسبی از وضعیت مشارکت ورزشی زنان در استان ایلام برحسب دو متغیر حمایت اجتماعی و مصرف ورزش به دست آید.

چارچوب نظری پژوهش

در بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر مشارکت ورزشی بر یادگیری اجتماعی تأکید می‌شود. نظریه یادگیری اجتماعی تأکید می‌کند که رفتار از طریق یادگیری با تجربه مستقیم یا مشاهده دیگران (الگوگرفتن) آموخته می‌شود. در واقع، حمایت اجتماعی با وظایف و کارکردهایی ارتباط دارد که دیگران مهم، برای تسهیل انجام عمل توسط فرد انجام می‌دهند؛ از این رو، زنانی که از حمایت اجتماعی دیگران مهم برخوردارند، در مقایسه با کسانی که از این حمایت محروم‌اند، مشارکت ورزشی بیشتری دارند؛ چراکه دیگران مهم با فراهم کردن حمایت‌های اجتماعی لازم زمینه را برای مشارکت ورزشی آنها فراهم می‌کنند (عریضی و همکاران، ۱۳۸۵؛ قاندری و همکاران، ۱۳۸۹؛ پارسامهر، ۱۳۸۸).

حمایت اجتماعی با پیوندهای گوناگون اعضای شبکه فراهم می‌شود؛ به طوری که تنوع روابط طیف وسیعی از حمایت‌های متنوع را برای افراد فراهم می‌آورد. درگیری افراد در شبکه‌های مختلف اجتماعی، از جمله شبکه‌های خانوادگی، دوستی و همسایگی، منابع حمایتی را فراهم می‌کند که افراد با جذب شدن در این شبکه‌ها، حمایت و در پی آن سلامتی به دست می‌آورند. حمایت اجتماعی افراد را قادر می‌سازد تا توانایی رویارویی با مشکلات روزمره و بحران‌های زندگی را داشته باشند و به خوبی آنها را سپری کنند (براری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۳). در واقع، حمایت اجتماعی شامل منابع اجتماعی است که افراد آماده دریافت آن هستند تا روابطشان را بهبود ببخشند (لورا^۱ و همکاران، ۲۰۰۷). در کل، می‌توان گفت حمایت اجتماعی به این معنی است که شخص احساس می‌کند از توجه دیگران برخوردار است و دیگران برای او ارزش قائل‌اند و به یک شبکه اجتماعی تعلق دارد (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۸).

حمایت اجتماعی شامل سه نوع ابزاری، اطلاعاتی و عاطفی است (کوهن، ۲۰۰۴: ۶۷۶). حمایت عاطفی به فرصت برای مراقبت، تشویق ارزش‌های شخصی و احساس اطمینان و اعتماد اشاره دارد

1. Laura
2. Cohen

لیندستروم^۱ و همکاران، ۲۰۰۱: ۴۴۳). در واقع، بیان یک‌دلی، نگرانی، اطمینان و اعتماد است و فرصتی برای بیان احساسات و تخلیه آن فراهم می‌کند. حمایت ابزاری شامل ارائه کمک‌های مادی (برای مثال، کمک در کارهای روزانه) است. حمایت اطلاعاتی نیز ارائه اطلاعاتی برای کمک به فرد در مقابله با مشکلات است و معمولاً به شکل مشاوره یا راهنمایی عرضه می‌شود (کوهن، ۲۰۰۴: ۶۷۶).

حمایت اجتماعی تعهدات متقابلی به وجود می‌آورد و حالتی ایجاد می‌کند که در آن شخص احساس دوست‌داشته شدن، مراقبت، عزت‌نفس و ارزشمند بودن می‌یابد و اینها با نتایج سلامتی ارتباط مستقیم دارند. حمایت اجتماعی با کاهش افسردگی، اضطراب و دیگر مشکلات روان‌شناختی رابطه دارد و احتمال افزایش فعالیت‌های فرد را، که به حفظ رفتارهای سلامتی منجر می‌شود، زیاد می‌کند (معمدی شلمزاری و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۱۷).

فنون ورزشی بیرون از جامعه شکل نمی‌گیرند، بلکه در متن نظام اجتماعی تکامل پیدا می‌کنند. از آنجاکه انسان خودش را تولید می‌کند و خودتولیدی انسان عملی اجتماعی است، ورزش لزوماً و همیشه پدیده‌ای اجتماعی است. ورزش از ساختارهای اجتماعی و الگوهای ارزشی جامعه اثر می‌پذیرد؛ بنابراین، تا اندازه زیادی به میزان، نوع و محتوای جامعه‌پذیری وابسته است. خانواده نیز به مثابه یکی از نهادهای اصلی و کارگزار عمده جامعه‌پذیری، بر رفتار در نهادهای دیگر اجتماعی چون ورزش اثر می‌گذارد (ویس، ۱۳۸۹: ۸۷).

تحقیقات جامعه‌شناختی زیادی درباره نقش خانواده در نگرش فرزندان و اظهار تمایل به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی صورت گرفته است. ورزشکاران جوان برای پیشرفت و پیمودن مسیرهای ترقی و کسب جایگاه معتبر در ورزش نیازمند حمایت همه‌جانبه والدین هستند. محیط خانوادگی یکی از مهم‌ترین پایگاه‌هایی به‌شمار می‌رود که در میزان انگیزه، گرایش به فعالیت جسمانی، انتخاب رشته ورزشی، میزان فعالیت ورزشی و حضور در میدان‌های ورزشی و مسابقات اثر مهم دارد (نادریان جهرمی، ۱۳۸۴: ۱۴۷).

علاوه بر خانواده، گروه دوستان نیز در قالب شبکه‌های اجتماعی و از طریق ارائه تجربیات خود بر مشارکت ورزشی زنان تأثیرگذارند. کالینز (۲۰۰۳) معتقد است، با وجود اینکه منابع حمایت اجتماعی در ارتباط‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی است، اعضای خانواده و دوستان منبع اصلی حمایت اجتماعی به‌شمار می‌آیند. علاوه بر این، از دیدگاه فوکویاما (به نقل از شکری و همکاران، ۱۳۹۱)، در بافت‌های فرهنگی جمع‌نگر، در مقایسه با بافت‌های فرهنگی فردنگر، خانواده به‌منزله مهم‌ترین گروه خودی در قیاس با منابع دیگر مثل دوستان و دیگران مهم در تعیین ادراک افراد از حمایت اجتماعی نقش ایفا می‌کند.

1. Lindstrom

بررسی‌ها نشان داده است که افراد در نوجوانی حدود ۴۰ درصد از وقتشان را با دوستان (هم سالان) خود صرف می‌کنند. در واقع، صرف وقت با دوستان (هم‌سالان) حس هویت یا تعلق خاطر به گروه را در آنان ایجاد می‌کند. گروه‌های هم‌سن‌وسال به افراد کمک می‌کنند تا تصمیم بگیرند با چه کسی ارتباط برقرار کنند، از چه کسی کمک دریافت کنند و چه فعالیتی انجام دهند (براون،^۱ ۱۹۹۹). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که نوجوان برای هم‌نوابی با گروهی که به آن تعلق دارد تحت فشار است و قبل از انجام هر عمل با دوستان خود درباره آن مشورت می‌کند (لاشراس^۲ و همکاران، ۲۰۰۱). تأثیر گروه دوستان (هم‌سالان) عملاً به گونه‌ای است که در بسیاری از موارد خود فرد از این تأثیر آگاه نیست. افرادی که در این سن درگیر روابط دوستانه می‌شوند، احتمالاً، بیشتر از دیگران، دیگر دوستی و یادگیری مهارت‌های محبوب دوستان (هم‌سالان) خود را به‌نمایش می‌گذارند (پرینستین^۳ و همکاران، ۲۰۰۱). با این توضیحات و در جمع‌بندی نهایی، ابعاد و منابع حمایت اجتماعی در عرصه ورزش به شرح جدول ۲ است.

جدول ۲. ابعاد و منابع حمایت اجتماعی

اطلاعاتی	ابزاری	عاطفی	ابعاد حمایت منبع حمایت
حمایت اطلاعاتی خانواده	حمایت ابزاری خانواده	حمایت عاطفی خانواده	خانواده
حمایت اطلاعاتی دوستان	حمایت ابزاری دوستان	حمایت عاطفی دوستان	دوستان و بستگان

با توجه به جدول ۲، می‌توان انتظار داشت که هرچه زنان از منابع حمایتی شامل خانواده و دوستان حمایت‌های عاطفی، ابزاری و اطلاعاتی بیشتری دریافت کنند، میزان مشارکت ورزشی آنان بیشتر خواهد بود. حمایت اجتماعی، علاوه بر تأثیری که به شکل مستقیم بر میزان مشارکت ورزشی زنان دارد، از طریق تحت تأثیر قراردادن برخی متغیرهای اجتماعی نیز مشارکت ورزشی را متأثر می‌کند. یکی از این متغیرها مصرف ورزش در بین زنان است که از ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی هر منطقه و حمایت‌های کسب‌شده از منابع مختلف متأثر است.

مصرف ورزش^۴ در زندگی افراد جامعه دارای اهمیت است و به یکی از دغدغه‌های افراد جامعه تبدیل شده است. در دنیای معاصر، کمتر کسی است که مستقیم یا غیرمستقیم با ورزش ارتباط ندارد. مصرف‌کننده ورزشی کسی است که مستقیم (مانند خرید بلیت مسابقه) یا غیرمستقیم (مانند

1. Brown
2. Lasheras
3. Prinstein
4. Sport Consumption

تماشای مسابقه ورزشی از تلویزیون) کالا یا خدمت ورزشی را مصرف می‌کند. دو بعد اصلی مصرف ورزش از دیدگاه سامرز و همکاران (۲۰۰۵) شامل تماشای ورزش و مصرف کالاهای ورزشی است (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۱).

رسانه‌ها یکی از نهادهای مؤثر بر فرهنگ هستند؛ از این رو، رسانه‌های ورزشی یا ورزش در رسانه‌ها تأثیر زیادی بر باورها، ارزش‌ها، هنجارها و کارکردهای ورزشی افراد و گروه‌های جامعه دارد؛ به‌ویژه اینکه رواج ورزش امروزه غالباً از پیدایش تلویزیون و همگانی‌شدن آن متأثر است. البته، رسانه‌های دیگری مانند اینترنت، مطبوعات، رادیو، کتاب و فیلم‌های سینمایی نیز در عرصه ورزش مؤثرند. ورزش به‌ویژه ورزش حرفه‌ای همچون یک محصول برای مردم جذاب است. در این میان، رسانه‌ها به مثابه مهم‌ترین وسیله توزیع اهمیت ویژه‌ای دارند (فرج‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳-۱۴).

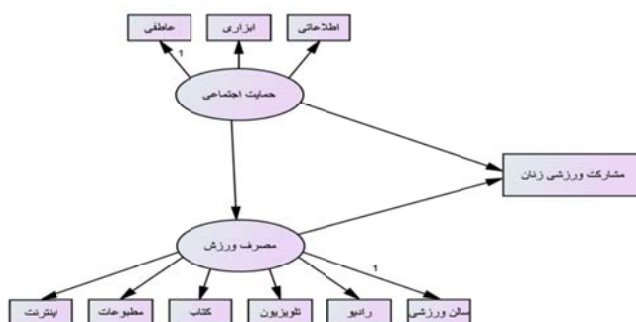
سلیقه افراد در مصرف فرهنگی، درکنار فعالیت‌های فراغت و الگوهای مصرف، از اصلی‌ترین شاخص‌های مطالعات سبک زندگی است (ابراهیمی و همکاران، الف ۱۳۹۰: ۷۵). در اینجا، یکی از وجوه اصلی مصرف فرهنگی، که می‌تواند تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر مشارکت ورزشی داشته باشد، مصرف ورزش است. ورزش به‌منزله پدیده‌ای که ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ دارد، ذیل مفهوم کلی فرهنگ قرار می‌گیرد؛ بنابراین، مصرف ورزش همچون یکی از زیرمجموعه‌های مصرف فرهنگ تعریف و مطالعه خواهد شد. در زمینه تأثیرپذیری مشارکت ورزشی زنان از مصرف ورزشی، به‌منزله یکی از حوزه‌های اصلی مصرف فرهنگی، می‌توان به رویکرد نظری بوردیو در این زمینه اشاره کرد.

یکی از پرسش‌های مطرح‌شده در برنامه تحقیقاتی پی‌یر بوردیو به انسجام انتخاب‌هایی مربوط می‌شود که کنشگر در حوزه‌های مختلف فرهنگی به‌عمل می‌آورد. آیا می‌توان اثبات کرد که انتخاب عادت ورزشی کنشگر با بقیه انتخاب‌های فرهنگی‌اش در پیوند است؟ بوردیو بررسی می‌کند که چگونه صورت مبارزه ورزشی هر ورزشکار در فضای سبک‌های زندگی ادغام و با آن یک‌پارچه می‌شود. مطالعات جامعه‌شناختی در این فضا تضادهایی میان سبک زندگی فقیرانه و سبک زندگی اشرافی نشان داده‌اند. در سبک زندگی فقیرانه، کارکرد ورزش بر شکل آن مرجح است و رابطه فایده جویانه با اشیا و رابطه ابزاری با بدن برقرار می‌شود، درحالی‌که در سبک زندگی اشرافی صورت ورزش به محتوای آن ترجیح داده می‌شود و با اشیا رابطه‌ای نسبتاً بافاصله و گاهی نیز رابطه‌ای سبک‌دار (استریلیزه) و زیبایی‌شناختی برقرار می‌شود (دوفرانس، ۱۳۸۵: ۴۸-۴۹).

در نظریه بوردیو، به دو دلیل شاخص‌های سبک زندگی بیشتر از عرصه مصرف فرهنگی استخراج شده‌اند: دلیل اول این است که مصرف فرهنگی غالباً کمتر از بقیه انواع فعالیت‌ها مستلزم هزینه کردن است و قدرت انتخاب افراد نیز در این زمینه زیاد است. به‌علاوه، قریحه که از عناصر سازنده سبک زندگی است بیش از هر چیز در الگوی انجام‌دادن فعالیت و مصرف فرهنگی ظهور می‌کند. ثانیاً، از دیدگاه بوردیو، طبقات سطح بالا خود را با استفاده از فرهنگ متعالی از بقیه طبقات متمایز

می‌کنند. به‌رحال، سلیقه‌ی افراد در مصرف فرهنگی، درکنار فعالیت‌های فراغت و الگوهای مصرف، از اصلی‌ترین شاخص‌های مطالعات سبک زندگی بوده است (رحمت‌آبادی و آقابخشی، ۱۳۸۵: ۲۴۰). در نگاه بوردیو، مصرف به‌منزله‌ی نظامی از نشانه‌ها و نمادها مطرح است که کارکردهایی چون تمایزگذاری اجتماعی دارد. بوردیو در کتاب *تمایز* (۱۳۹۱) شیوه‌هایی را تحلیل کرد که گروه‌های هم رده و هم‌طبقه خود را به‌وسیله‌ی آن از الگوهای مصرفی گروه دیگر متمایز می‌کنند. بوردیو نشان می‌دهد که چگونه گروه‌های خاص، به‌ویژه طبقات اقتصادی-اجتماعی، از میان انواع کالاها مصرفی، روش‌های لباس‌پوشیدن، غذاخوردن، آرایش‌کردن، مبلمان و تزئین داخلی منزل و... انتخاب‌هایی انجام می‌دهند تا روش زندگی مجزای خود را مشخص و خود را از دیگران متمایز کنند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۴۲).

بوردیو (به‌نقل از پارسامهر و جسمانی، ۱۳۹۰) در تبیین اینکه چرا طبقات اجتماعی متفاوت، میزان‌های مصرف متفاوتی در رشته‌های ورزشی خاص دارند، معتقد است که مصرف فرهنگی، که شامل مصرف ورزشی نیز می‌شود، به سلیقه و رجحان هر طبقه، و نیز به مهارت‌ها و شناخت آنها از ورزش بستگی دارد. طبقات مختلف ترجیح‌های ورزشی متفاوتی دارند. درواقع، مصرف ورزش، به خصوص ورزش‌های خاص، مانند علاقه‌ی افراد به برخی از رشته‌های خاص هنری و ادبی است. مصرف ذائقه یا سلیقه را جهت می‌دهد و با جهت‌گیری مصرف، سبک‌های زندگی متفاوت شکل می‌گیرند. ازسوی دیگر، همین سبک‌های زندگی متفاوت به بازتولید ذائقه‌ها و، به‌طریق اولی، منش می‌انجامد؛ زیرا سبک زندگی همان فضایی است که کنشگران در آن می‌آموزند که چگونه زندگی کنند، چه چیز را ارجح بدانند و درنهایت چه چیز را زیبا بشمارند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۰الف: ۷۶). استفاده از کالاهایی نظیر خانه، لباس، غذا، موسیقی و... نه‌تنها برای بقا و ادامه‌ی حیات انسان ضروری است، بلکه موقعیت اجتماعی او را نشان می‌دهد. به‌بیان دیگر، با درنظرگرفتن سلیقه و ترجیح افراد در انتخاب و مصرف کالاها، می‌توان به موقعیت اجتماعی‌شان پی‌برد. بوردیو در کتاب *تمایز* (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که مصرف فرهنگی و سلیقه، عناصری نمادین از ارتباطات اجتماعی به شمار می‌آیند. برای مثال، کمتر رخ می‌دهد که فردی که عضو طبقه‌ی کارگر جامعه محسوب می‌شود، برای تزئین منزلش از مبلمان فاخر استفاده کند یا برای گذراندن اوقات فراغتش به سالن اپرا برود. می‌توان انتظار داشت ذائقه و سلیقه‌ی افرادی که از میزان بالاتری از مصرف ورزش برخوردارند، نوع خاصی از سبک زندگی را شکل می‌دهد که فعالیت‌های بدنی را ترجیح می‌دهند و تمایل بیشتری به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی دارند. با توجه به پیشینه‌ی نظری و تجربی تحقیق، الگوی مفهومی زیر جهت بررسی تجربی موضوع ارائه می‌شود:



شکل ۱. الگوی مفهومی تحقیق

فرضیه‌های اصلی تحقیق به شرح ذیل است:

۱. به نظر می‌رسد بین حمایت اجتماعی و ابعاد آن با مشارکت ورزشی زنان رابطه معناداری وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد بین مصرف ورزش با مشارکت ورزشی زنان رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با شیوه پیمایشی انجام شده است و ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه بوده است. داده‌ها پس از رمزگذاری با استفاده از نرم‌افزارهای اس.پی.اس.اس^۱ و آموس^۲ تجزیه و تحلیل شد. بدین شکل که برای آزمون فرضیه‌ها، با توجه به سطح سنجش داده‌ها و نوع فرضیه (تفاوت یا رابطه) از ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده شد. به منظور سنجش تأثیر هم‌زمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و البته برازش الگو، از الگوسازی معادله‌های ساختاری با آموس استفاده شده است. جمعیت زنان ۱۹ سال و بیشتر استان ایلام، که جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهند، ۱۹۳۹۵۲ نفر است. جهت تعیین حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۵۰۰ آزمودنی انتخاب شدند و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ابتدا، جامعه آماری به دو خوشه اصلی (شهرستان‌های ایلام و دره‌شهر) تقسیم شد. حجم نمونه در مناطق شهری ۳۴۰ نفر و در مناطق روستایی ۱۶۰ نفر بود. سپس، هرکدام از این شهرستان‌ها به ده بلوک (شش بلوک شهری و

1. SPSS 23
2. AMOS 21

چهار بلوک روستایی) تقسیم شد و در نهایت، از درون این بلوک‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی اطلاعات لازم به‌دست آمد.

تعریف عملیاتی متغیرها

مشارکت ورزشی

برای سنجش متغیر مشارکت ورزشی (اعم از فعالیت‌های ورزشی همگانی و حرفه‌ای) از دو روش مکمل استفاده شد: در ابتدا، از پرسش‌نامه تعدیل‌شده IPAQ استفاده شد. بدین‌شکل که از افراد خواسته شد مشخص کنند در طی هفته چند روز و در هر روز چند دقیقه ورزش می‌کنند. نمره مشارکت ورزشی هر فرد حاصل ضرب تعداد روز در تعداد دقیقه‌های مشارکت در فعالیت‌های بدنی هر روز بود. همچنین، با تهیه فهرستی از ورزش‌های رایج در جامعه آماری، از افراد خواسته شد وضعیت مشارکت خود را در این رشته‌های ورزشی مشخص کنند. در نهایت، زمان‌های صرف‌شده در هر رشته ورزشی در طی هفته جمع شد و مجموع آن زمان میزان مشارکت ورزشی فرد را تشکیل داد. علاوه‌براین، محققان زمان صرف‌شده در فعالیت‌های ورزشی سازمان‌یافته و دیگر فعالیت‌های بدنی مثل پیاده‌روی، ورزش و نرمش در خانه، ورزش در پارک و... را از یک‌دیگر تفکیک کردند و سنجیدند.

حمایت اجتماعی

در باب سنجش متغیر حمایت اجتماعی جهت تبیین مشارکت ورزشی، محققان متعددی از جمله لسلی و سرین^۱ (۲۰۰۸)، ریس و سابیا^۲ (۲۰۱۰)، لیندستروم و همکاران (۲۰۰۱)، کوهن (۲۰۰۴)، و درنتی و همکاران^۳ (۲۰۰۶) مطالعاتی انجام داده‌اند که همگی، با تفاوت اندک، سه بعد عاطفی، ابزاری و اطلاعاتی را سنجیده‌اند. در تحقیق حاضر، با استفاده از پیشینه تجربی و مبانی نظری، هرکدام از ابعاد حمایت اجتماعی به‌این‌شرح سنجیده شده است: ورزشکار بودن خانواده و دوستان، تشویق فرد به ورزش کردن و حل مشکلات پیش‌رو از سوی خانواده و دوستان و همراهی کردن شخص در انجام فعالیت‌های بدنی حمایت عاطفی محسوب شده است. پرداخت شهریه ورزش و فعالیت‌های بدنی، خرید وسائل و لباس ورزشی، تأمین هزینه‌های فعالیت ورزشی، و مراقبت از کودکان برای ایجاد فراغت لازم جهت انجام فعالیت‌های ورزشی حمایت ابزاری قلمداد شده است. دادن اطلاعات

1. Leslie and Cerin

2. Rees and Sabia

3. Drentea

لازم درباره فعالیت‌های ورزشی و تأثیر آن بر سلامت جسمی و روانی و نقش آن در بهبود عملکرد فرد، معرفی ورزش‌های منطبق با توانایی و استعداد فرد، آموزش لازم جهت مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، و معرفی اماکن و تأسیسات ورزشی حمایت اطلاعاتی محسوب شده است.

مصرف ورزش

با وجود تعاریف متعدد از مصرف ورزش، در اینجا بر مبنای اهداف تحقیق، از تعریف پارسامهر و جسمانی (۱۳۹۰) استفاده شده است. مصرف ورزش شامل تماشای غیرمستقیم از طریق رسانه‌های جمعی مانند تلویزیون، رادیو، روزنامه، مجله‌ها و اینترنت (مصرف منفعل) و تماشای مستقیم از طریق رفتن به استادیوم و مجموعه‌های ورزشی (مصرف فعال) است. برای سنجش متغیر مصرف ورزش از نسخهٔ تعدیل‌شدهٔ پرسش‌نامهٔ ترایل و جیمز (۲۰۰۱)، که نخستین بار پارسامهر و جسمانی (۱۳۹۰) به فارسی ترجمه کرده‌اند، استفاده شد.

اعتبار و قابلیت اعتماد

این پژوهش از اعتبار نظری برخوردار است. به منظور سنجش قابلیت اعتماد پرسش‌نامه مبنی بر تعیین میزان قدرت تبیین‌کنندگی گویه‌ها در آزمون‌های مختلف، با توجه به اینکه ابعاد حمایت اجتماعی از نوع ساختی است، از تحلیل عاملی استفاده شد. همان‌گونه که در الگوی تحقیق مشاهده می‌شود، بارهای عاملی به دست آمده همگی بیشتر از ۰,۴ است که از پایایی ابزار سنجش حکایت دارد. متوسط واریانس تبیین‌شدهٔ خطا، که بیش از ۰,۵ است (۵۱,۸۳ برای مصرف ورزش و ۷۵,۶ برای حمایت اجتماعی)، بر اعتبار هم‌گرای ابزار سنجش دلالت دارد. البته، متغیر مشارکت ورزشی به مثابهٔ یک متغیر مشاهده‌شده محاسبه و سنجیده شده است و از آنجاکه در پژوهش‌های برگر و ریلی (۲۰۰۸)، اسلیتر و تیگمان (۲۰۱۱)، ریس و ساییا (۲۰۱۰)، پی‌فیفر و همکاران (۲۰۰۶)، پاستور و همکاران (۲۰۰۳)، مور و چادلی (۲۰۰۵)، لیندستروم (۲۰۰۱) و جونز و مور (۲۰۱۲) نیز برای سنجش مشارکت ورزشی به همین شیوه، با تغییرات جزئی، عمل شده است، بنابراین این پرسش‌نامه استاندارد و بین‌المللی و قابل اعتماد است.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و یافته‌های توصیفی

میانگین سنی نمونهٔ تحقیق ۳۴,۵ و دامنهٔ سنی آنها از ۱۹ تا ۷۰ سال است. ۱۷۳ نفر از افراد مجرد، ۳۱۵ نفر متأهل، و ۱۲ نفر بدون همسر هستند. مکان فعالیت ورزشی ۱۷۵ نفر خانه است،

۹۵ نفر در پارک و فضای سبز شهری، ۱۶۰ نفر در کوه و طبیعت و فقط ۹۶ نفر در سالن‌ها و باشگاه‌های ورزشی فعالیت می‌کنند. میانگین مشارکت ورزشی زنان استان ایلام ۱۲۵ دقیقه در هفته و دامنه‌ی آن برای افراد ورزشکار بین ۱۰ تا ۶۰۰ دقیقه نوسان داشته است. زنان استان ایلام به ترتیب در فعالیتهای بدنی و رشته‌های ورزشی پیاده‌روی (۳۱۰ نفر)، نرمش و حرکتهای کششی در منزل (۱۲۳ نفر)، کوهنوردی (۹۵ نفر)، آمادگی جسمانی (ایروبیک و فیتنس و...) (۶۲ نفر)، شنا (۴۳ نفر)، والیبال (۳۲ نفر)، بدمینتون (۱۹ نفر)، ورزش با تردمیل (۱۷ نفر)، فوتسال (۱۲ نفر)، و یوگا (۱۰ نفر) مشارکت ورزشی دارند. نتایج نشان‌دهنده‌ی مشارکت بیشتر زنان در فعالیتهای ورزش همگانی و کم‌هزینه است. زنان به ترتیب در ورزش حرفه‌ای (۱۵ درصد)، ورزش منظم (۱۸٫۸ درصد)، ورزش سلامت‌محور (۱۷ درصد)، ورزش تفریحی (۱۵٫۲ درصد) و فعالیت بدنی کم و نامنظم (۸ درصد) مشارکت دارند. علاوه‌براین، ۲۶ درصد زنان فعالیت ورزشی ندارند. درخصوص دو متغیر حمایت اجتماعی و مصرف ورزش نتایج توصیفی به شرح ذیل است:

جدول ۳. توزیع فراوانی مطلق و نسبی زنان برحسب متغیر حمایت اجتماعی

حمایت اجتماعی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
زیاد	۹۸	۱۹٫۶
متوسط	۲۳۶	۴۷٫۲
کم	۱۴۰	۲۸
اصلا	۲۶	۵٫۲
کل	۵۰۰	۱۰۰

همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، نتایج حاکی از این است که ۵٫۲ درصد از زنان فاقد حمایت اجتماعی هستند. ۲۸ درصد از حمایت اجتماعی کم، ۴۷٫۲ درصد از حمایت اجتماعی متوسط، و ۱۹٫۶ درصد از حمایت اجتماعی زیادی برخوردارند. اغلب زنان از حمایت اجتماعی متوسط (۲۳۶ نفر) و کم (۱۴۰ نفر) برخوردار بوده‌اند.

جدول ۴. توزیع فراوانی مطلق و نسبی زنان برحسب متغیر مصرف ورزش

مصرف ورزش	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
زیاد	۲۳	۴٫۶
متوسط	۱۸۷	۳۷٫۴
کم	۱۹۷	۳۹٫۴
اصلا	۹۳	۱۸٫۶

کل	۵۰۰	۱۰۰
----	-----	-----

جدول ۴ توزیع فراوانی زنان را برحسب مصرف ورزش نشان می‌دهد. از مجموع ۵۰۰ فرد جمعیت نمونه، ۱۸,۶ درصد فاقد مصرف ورزشی هستند، ۳۹,۴ درصد از مصرف ورزش کم برخوردارند، ۳۷,۴ درصد دارای مصرف ورزش متوسط، و ۴,۶ درصد دارای مصرف ورزش زیاد بوده‌اند؛ بنابراین، بیشترین فراوانی شامل آن‌دسته از زنانی است که از مصرف ورزش کم و متوسط برخوردار بوده‌اند.

نتایج تحلیلی

ضریب هم‌بستگی پیرسون به‌دست‌آمده (۰,۱۷۷-) بین دو متغیر سن و مشارکت ورزشی زنان رابطه منفی، خیلی ضعیف و معناداری را نشان می‌دهد؛ بدین‌معنا که با افزایش سن، مشارکت ورزشی زنان کاهش می‌یابد. ضریب تعیین به‌میزان ۰,۳۱. نشان‌دهنده تأثیر ضعیف این متغیر بر مشارکت ورزشی زنان است، به‌نحوی که فقط ۳ درصد از واریانس مشارکت ورزشی زنان را تبیین می‌کند. علاوه‌بر سنجش رابطه سن با میزان مشارکت ورزشی، با استفاده از آزمون‌های دو به بررسی فعالیت ورزشی زنان (نوع ورزش) برحسب گروه‌های سنی پرداخته شد.

جدول ۵. جدول تقاطعی گروه‌های سنی و نوع ورزش

جمع	گروه‌های سنی				نوع ورزش
	سالمندان (۵۱ و بالاتر)	بزرگسالان (۴۱-۵۰)	میانسالان (۳۱-۴۰)	جوانان (۱۹-۳۰)	
۱۳۲ (۲۶,۴)	۱۴ (۴۵,۲)	۳۵ (۳۵,۴)	۴۸ (۳۰)	۳۵ (۱۶,۷)	عدم مشارکت ورزشی
۲۷۲ (۵۴,۴)	۱۶ (۵۱,۶)	۵۰ (۵۰,۵)	۸۵ (۵۳,۱)	۱۲۱ (۵۷,۶)	ورزش همگانی
۹۶ (۱۹,۲)	۱ (۳,۲)	۱۴ (۱۴,۱)	۲۷ (۱۶,۹)	۵۴ (۲۵,۷)	ورزش سازمان‌یافته
۵۰۰ (۱۰۰)	۳۱ (۱۰۰)	۹۹ (۱۰۰)	۱۶۰ (۱۰۰)	۲۱۰ (۱۰۰)	جمع

جدول ۵، جدول تقاطعی گروه‌های سنی و نوع ورزش است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، زنان در گروه‌های سنی مختلف، از جوانان تا سالمنندان، تقریباً به‌میزان یکسان در ورزش‌های همگانی فعالیت دارند و تفاوت محسوسی بین گروه‌های سنی مختلف در میزان مشارکت در ورزش‌های همگانی وجود ندارد. مشارکت در ورزش‌های سازمان‌یافته در گروه‌های سنی متفاوت، با افزایش

سن کاهش می‌یابد. میزان عدم مشارکت ورزشی زنان با افزایش سن بالا می‌رود. می‌توان نتیجه گرفت که ضمن ثابت بودن تقریبی میزان مشارکت در ورزش همگانی (از ۵۷,۶ درصد در گروه سنی جوانان تا ۵۱,۶ درصد در گروه سنی سالمندان)، با افزایش سن از میزان فعالیت در ورزش‌های سازمان‌یافته کاسته شده (از ۲۵,۷ درصد در گروه سنی جوانان تا ۳,۲ درصد در گروه سنی سالمندان) و بر میزان عدم مشارکت ورزشی (از ۱۶,۷ درصد در گروه سنی جوانان تا ۴۵,۲ درصد در گروه سنی سالمندان) افزوده شده است.

میانگین مشارکت ورزشی زنان در مناطق شهری ۱۳۸ دقیقه و در مناطق روستایی ۹۷ دقیقه در هفته است و این تفاوت از لحاظ آماری معنادار است. در واقع، زنان شهری نسبت به زنان روستایی مشارکت ورزشی بیشتری دارند. نتایج نشان می‌دهد که تعداد ورزشکاران حرفه‌ای در جمعیت زنان شهری نسبت به زنان روستایی بیشتر است، در حالی که عدم مشارکت ورزشی، با توجه به نسبت جمعیت، تقریباً یکسان است. زنان روستایی فعالیت بدنی کمی دارند یا بیشتر به ورزش‌های تفریحی می‌پردازند، در حالی که زنان شهری بیشتر به شکل منظم و سازمان‌یافته فعالیت دارند. با توجه به ضریب اتا ($r=0,132$) بین محل سکونت و مشارکت ورزشی زنان، رابطه خیلی ضعیف و معناداری وجود دارد.

ضریب همبستگی به دست آمده ($r=0,682$) بین دو متغیر حمایت عاطفی و مشارکت ورزشی زنان رابطه مثبت، قوی و معناداری را نشان می‌دهد؛ یعنی هرچه حمایت عاطفی از زنان بیشتر باشد، مشارکت ورزشی افزایش می‌یابد.

با توجه به ضریب همبستگی پیرسون ($r=0,606$)، بین حمایت ابزاری و مشارکت ورزشی زنان رابطه مثبت، قوی و معناداری وجود دارد؛ به طوری که هرچه حمایت ابزاری از زنان افزایش یابد، بر میزان مشارکت ورزشی آنها نیز افزوده خواهد شد.

ضریب همبستگی پیرسون ($r=0,697$) بین حمایت اطلاعاتی و مشارکت ورزشی زنان رابطه مثبت، قوی و معناداری را بین این دو متغیر نشان می‌دهد. بدین ترتیب، انتظار داریم با افزایش حمایت اطلاعاتی از زنان مشارکت ورزشی آنان نیز افزایش پیدا کند.

نتایج ضریب همبستگی بین ابعاد حمایت اجتماعی و مشارکت ورزشی نشان می‌دهد که به ترتیب حمایت اطلاعاتی، عاطفی و ابزاری بیشترین رابطه را با مشارکت ورزشی زنان دارند.

جدول ۶ ضریب رگرسیونی حمایت اجتماعی و مشارکت ورزشی زنان را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی بین این دو متغیر ۰/۷۲۶ و دارای سطح معنی‌داری بسیار بالا ($P=0/000$) است و چون این رقم مثبت است، رابطه مستقیم میان این دو متغیر تأیید می‌شود؛ یعنی هرچه میزان حمایت اجتماعی بالا رود، مشارکت ورزشی زنان نیز افزایش می‌یابد؛ بنابراین، فرضیه اول مبنی بر وجود

رابطه مثبت بین دو متغیر تأیید می‌شود. با توجه به مقدار ضریب تعیین $R=0/527$ ، حدود ۵۳ درصد از تغییرات مشارکت ورزشی زنان از طریق حمایت اجتماعی تبیین پذیر است.

جدول ۶. ضریب رگرسیونی حمایت اجتماعی و مشارکت ورزشی زنان

متغیر مستقل	B	خطای استاندارد	Beta	t سطح معنی داری
حمایت اجتماعی	۱/۰۳۹	۰/۰۴۴	۰/۷۲۶	۲۳/۵۶۶ ۰/۰۰۰
مقدار ثابت (Constant)	۰/۰۷۵	۰/۱۱۳	-----	۰/۶۶۲ ۰/۴۰۸

می‌توان معادله رگرسیونی ذیل را برای پیش‌بینی میزان مشارکت ورزشی زنان برحسب حمایت اجتماعی تنظیم کرد: حمایت اجتماعی $(1/039) + 0/075 =$ مشارکت ورزشی زنان
معادله پیش‌گفته حاکی از آن است که در صورت کنترل متغیر حمایت اجتماعی، نمره مشارکت ورزشی زنان ۰/۰۷۵ است. به ازای یک واحد افزایش در حمایت اجتماعی نیز ۱/۰۳۹ واحد بر مشارکت ورزشی زنان افزوده می‌شود.

جدول ۷ ضریب رگرسیونی مصرف ورزش و مشارکت ورزشی زنان را نشان می‌دهد. ضریب هم بستگی بین این دو متغیر ۰/۶۸۱ و دارای سطح معنی‌داری بسیار بالا ($P=0/000$) است و چون این رقم مثبت است، رابطه مستقیم میان این دو متغیر تأیید می‌شود؛ یعنی هرچه میزان مصرف ورزش بالا می‌رود، مشارکت ورزشی زنان نیز افزایش می‌یابد؛ بنابراین، فرضیه دوم مبنی بر وجود رابطه مثبت بین دو متغیر تأیید می‌شود. با توجه به مقدار ضریب تعیین $R=0/463$ ، حدود ۴۶ درصد از تغییرات مشارکت ورزشی زنان توسط مصرف ورزش تبیین پذیر است.

جدول ۷. ضریب رگرسیونی مصرف ورزش و مشارکت ورزشی زنان

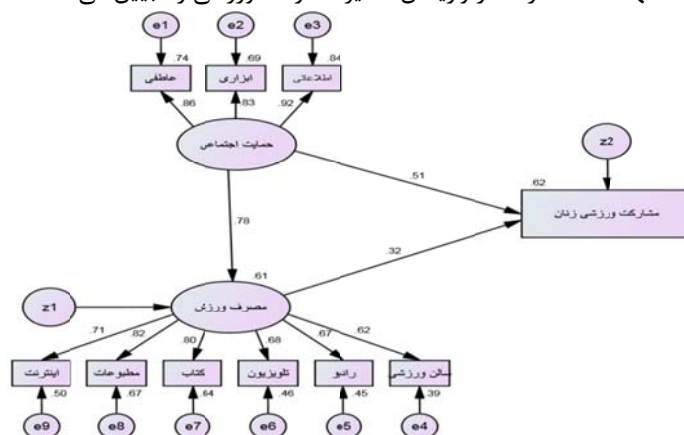
متغیر مستقل	B	خطای استاندارد	Beta	t سطح معنی داری
مصرف ورزش	۱/۰۵۳	۰/۰۵۱	۰/۶۸۱	۲۰/۷۳۱ ۰/۰۰۰
مقدار ثابت (Constant)	۰/۸۱۰	۰/۰۹۷	-----	۸/۳۸۲ ۰/۰۰۰

می‌توان معادله رگرسیونی ذیل را برای پیش‌بینی میزان مشارکت ورزشی زنان برحسب مصرف ورزش تنظیم کرد: مصرف ورزش $(1/053) + 0/810 =$ مشارکت ورزشی زنان

معادله پیش‌گفته حاکی از آن است که در صورت کنترل متغیر مصرف ورزش، نمره مشارکت ورزشی زنان $0/810$ است. به‌ازای یک واحد افزایش در مصرف ورزش نیز $1/053$ واحد بر مشارکت ورزشی زنان افزوده می‌شود.

آزمون الگوی تجربی پژوهش

در الگوی تحقیق حمایت اجتماعی به‌طور مستقیم (ضریب تعیین $0/51$) و غیرمستقیم از طریق مصرف ورزش (ضریب تعیین $0/25 = 0/32 \times 0/78$)، مشارکت ورزشی زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، درحالی‌که مصرف ورزش (ضریب تعیین $0/32$) فقط به‌طور مستقیم بر مشارکت ورزشی زنان تأثیر دارد. مقدار مجذور هم‌بستگی چندگانه $0/62$ درصد است که نشان می‌دهد دو متغیر حمایت اجتماعی و مصرف ورزش و ابعاد آنها تا $0/62$ درصد از واریانس متغیر مشارکت ورزشی را تبیین می‌کنند.



شکل ۲. الگوی تجربی تحقیق

پس از آزمون فرضیه‌ها، الگوی پیشنهادی تحقیق با استفاده از نرم‌افزار آموس ۲۱ بررسی شد که با توجه به معیارهای تناسب و برازش الگو، که در جدول ۸ ارائه شده است، از کیفیت لازم برای تبیین مشارکت ورزشی زنان برخوردار است.

جدول ۸. شاخص‌های برازش

ردیف	شاخص‌های برازش	مقدار	حد پذیرفتنی
۱	GFI شاخص نیکویی برازش	۰,۹۵۷	بالاتر از ۰,۹۰
۲	AGFI شاخص نیکویی اصلاح‌شده	۰,۹۲۹	بالاتر از ۰,۹۰
۳	TLI شاخص توکر لویس	۰,۹۶۶	بالاتر از ۰,۹۰

ردیف	شاخص‌های برازش	مقدار	حد پذیرفتنی
۴	NFI شاخص برازش هنجار شده یا بنتلر بونت	۰,۹۶۴	بالاتر از ۰,۹۰
۵	CFI شاخص برازش تطبیقی	۰,۹۷۵	بالاتر از ۰,۹۰
۶	RFI شاخص برازش نسبی	۰,۹۵۱	بالاتر از ۰,۹۰
۷	IFI شاخص برازش افزایشی	۰,۹۷۵	بالاتر از ۰,۹۰
۸	CMIN/DF کای اسکوار هنجار شده	۳,۲۸	بین ۱ تا ۵
۹	RMSEA ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	۰,۰۶۸	کمتر از ۰,۰۸

از آنجاکه برازش الگو به‌طور منطقی با داده‌ها اثبات شد، معناداری روابط بین متغیرها نیز تحت ارزیابی قرار گرفت و با توجه به سطح معناداری به‌دست‌آمده برای کلیه روابط مستقیم و غیرمستقیم تأثیر معنادار آنها بر مشارکت ورزشی زنان تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

اتخاذ رهیافت جامعه‌شناختی در تحلیل مشارکت ورزشی زنان این امکان را برای ما فراهم کرد که مشارکت ورزشی زنان را نوعی فعالیت جمعی در نظر بگیریم که ورای روان‌شناسی فردی است؛ به‌طوری‌که این فعالیت جمعی در هنجارها، ارزش‌ها، اعمال گروهی و طبقات اجتماعی ریشه دارد و از طریق آنها نیز ممکن است محدود شود. به‌طور کلی و از دیدگاه‌های مختلف نظری، عوامل متفاوت و متعددی مشارکت ورزشی زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این تحقیق، در کنار بررسی برخی از پژوهش‌ها و دیدگاه‌های نظری مختلف در باب مشارکت ورزشی زنان، درصدد استخراج الگویی بودیم که هم پشتوانه نظری و تجربی داشته باشد و هم با اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه تحت مطالعه هم‌خوانی داشته باشد و از قدرت تبیینی کافی برخوردار باشد. با توجه به بررسی رابطه دو متغیر حمایت اجتماعی و مصرف ورزش با مشارکت ورزشی زنان، در تدوین این الگوی نظری بیشترین بهره را از دو نظریه یادگیری اجتماعی و نظریه بورديو گرفته‌ایم.

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی تأثیر درخور توجهی بر متغیرهای اجتماعی دارند. این ویژگی‌ها نقش مهمی در شکل‌گیری هنجارها، ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های رفتاری افراد ایفا می‌کنند. درباره اثر این ویژگی‌ها بر مشارکت ورزشی زنان و نیز نوع ورزش برحسب برخی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، نتایج این پژوهش مبین نکته‌های مهمی است: میزان مشارکت ورزشی با افزایش سن کاهش می‌یابد. متغیر سن، علاوه بر میزان مشارکت ورزشی، نوع ورزش را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به‌طوری‌که زنان در ورزش‌های سازمان‌یافته از میانگین سنی کمتری نسبت به زنان در ورزش‌های همگانی و

زنانی که ورزش نمی‌کنند برخوردارند. درواقع، الگوی فعالیت ورزشی با افزایش سن از ورزش‌های سازمان‌یافته به سمت ورزش همگانی و درنهایت فقدان فعالیت ورزشی تغییر می‌کند.

میانگین مشارکت ورزشی زنان در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی، علاوه بر بالابودن میزان مشارکت ورزشی، به صورت منظم‌تر و حرفه‌ای‌تر ورزش می‌کنند و تعداد ورزشکاران سازمان‌یافته در شهر بیشتر است. البته، ورزش همگانی در بین زنان روستایی مقبول‌تر است. وجود مکان‌های ورزشی و فضاهای سبز شهری و نیز امکانات و تجهیزات ورزشی در شهر، این امکان را به زنان می‌دهد که در ورزش‌های سازمان‌یافته فعالیت بیشتری داشته باشند. درمقابل، وجود طبیعت سرسبز در روستاها امکان فعالیت ورزشی در ورزش‌های همگانی مانند پیاده‌روی، کوهنوردی و ورزش‌های بومی و محلی و... را برای زنان روستا فراهم می‌کند.

درباره‌ی مشارکت ورزشی زنان، یافته‌های این مطالعه نشان داد که در مجموع ۷۴ درصد از جمعیت تحت بررسی با اهداف گوناگون (از فعالیت بدنی کم و نامنظم تا ورزش به شکل حرفه‌ای) مشارکت ورزشی دارند و میانگین مشارکت ورزشی آنها ۱۲۵ دقیقه در هفته است. این نتایج با یافته‌های تحقیق تندنویس (۱۳۸۰) تا حدی هم‌خوانی دارد. میزان مشارکت ورزشی سازمان‌یافته زنان در استان ایلام مطابق با آمارهای رسمی (که ملاک آن داشتن کارت بیمه ورزشی است) در حدود ۵ درصد است که از معیار اروپایی آن بسیار کمتر است. با این حال، با در نظر گرفتن انواع مختلف ورزش، می‌توان گفت میزان مشارکت ورزشی زنان ایلام به معیار نزدیک است؛ چراکه نتایج تحقیق حاضر نشان داد بسیاری از زنان ایلامی بدون داشتن کارت بیمه ورزشی به فعالیت‌های ورزشی از قبیل کوهنوردی، پیاده‌روی، ورزش های بومی و محلی، ورزش و نرمش در منزل، بدمینتون و... می‌پردازند.

در سال‌های اخیر، فرهنگ ورزش همگانی در این استان، به خصوص در بین زنان، رواج پیدا کرده و علاوه بر حضور پرشمار زنان در باشگاه‌های ورزشی، بسیاری از زنان در قالب پیاده‌روی دسته‌جمعی با هدف زیارت و البته ورزش، مسیرهای طولانی را به سمت مکان‌های متبرک طی می‌کنند. علاوه بر این، موقعیت جغرافیایی استان و طبیعت بکر و کوه‌های سرسبز این امکان را برای خانواده‌ها فراهم می‌کند تا در کنار تفریح به فعالیت‌های بدنی بپردازند؛ به طوری که پیاده‌روی و کوهنوردی دو ورزش پرطرفدار در بین زنان استان ایلام بوده است.

در جوامع مختلف بشری، مشارکت ورزشی به شکل روزافزونی در بین دختران و زنان در حال گسترش است. به دلیل اهمیت و جایگاه ورزش در دنیای امروز، این پدیده اجتماعی همواره در کانون توجه جامعه‌شناسان و محققان اجتماعی بوده است. در این تحقیق نیز هدف آزمون الگویی بود که در آن دو متغیر حمایت اجتماعی و مصرف ورزش بر مشارکت ورزشی زنان تأثیرگذار است و هر دو فرضیه تأیید شد. نتایج این پژوهش در خصوص رابطه حمایت اجتماعی و مشارکت ورزشی با

تحقیقات ذکر شده در پیشینه تحقیق همخوانی دارد، با این تفاوت که در اکثر این تحقیقات و به خصوص تحقیقات انجام شده در ایران، نتایج تحقیق حاکی از تأثیر کم حمایت اجتماعی (در بیشتر تحقیقات کمتر از ۲۰ درصد) بر مشارکت ورزشی بوده است، در حالی که در این تحقیق، حمایت اجتماعی به تنهایی تا ۵۳ درصد از تغییرات مشارکت ورزشی زنان در استان ایلام را تبیین می‌کند.

رابطه مستقیم، مثبت و معنادار مصرف ورزش و مشارکت ورزشی زنان مبانی نظری پژوهش را کاملاً تأیید می‌کند. بوردیو (۱۳۹۱) به وجود نوعی همبستگی بین الگوی مصرف (در اینجا مصرف ورزش) و برخی از فعالیت‌های اوقات فراغت (در اینجا مشارکت ورزشی زنان) معتقد است. نتایج پژوهش با مطالعات نظری سامرز و همکاران (۲۰۰۵) و سی فانک (۱۳۹۲) مطابقت دارد. علاوه بر این، با اینکه در باب رابطه مصرف ورزش با مشارکت ورزشی تحقیق کاملاً مشابهی انجام نشده است، یافته‌ها با نتایج برخی تحقیقات (پارسامهر، ۱۳۸۸؛ پارسامهر و جسمانی، ۱۳۹۰؛ معین‌الدینی و صنعت خواه، ۱۳۹۱؛ صادقیان و همکاران، ۱۳۹۳)، که به بررسی مصرف رسانه‌ای و تأثیر رسانه‌های جمعی بر میزان مشارکت ورزشی پرداخته‌اند، همخوانی دارد.

در پایان، پیشنهاد می‌شود، با توجه به نقش حمایت اجتماعی و مصرف ورزش در مشارکت ورزشی زنان و با تأکید مجدد بر این نکته اساسی که منبع اصلی حمایت اجتماعی و مصرف ورزش به ترتیب خانواده و رسانه است، توجه ویژه‌ای به این دو نهاد اجتماعی در کمک به توسعه و ترویج ورزش زنان صورت گیرد. آگاه‌سازی خانواده‌ها و ارائه آموزش‌های لازم به آنها و نیز توجه به ساخت و تولید برنامه‌های ورزشی با محوریت زنان و تبلیغات مناسب از طریق رسانه‌ها مفید خواهد بود. برخی پیشنهادهای اجرایی در این زمینه به شرح ذیل است:

پیشنهاد می‌شود از طریق الگوسازی و با ترویج صفات، عادت‌ها و رفتارهای پسندیده ورزشکاران زن و نمایش سبک زندگی آنان در رسانه‌ها و انعکاس آن در جامعه، زمینه برای مشارکت هرچه بیشتر زنان در فعالیت‌های ورزشی فراهم شود؛

از طریق رسانه‌های جمعی فرهنگ ورزش، تحرک و سلامتی در بین زنان نهادینه شود تا هزینه‌های اجتماعی و فرهنگی مشارکت زنان در ورزش کاهش یابد و در مقابل تمایل به انجام فعالیت‌های بدنی افزایش یابد؛

آگاه‌سازی زنان از فواید و کارکردهای جسمانی، روانی و اجتماعی ورزش با استفاده از قدرت تأثیرگذاری رسانه‌های جمعی؛

آموزش، اطلاع‌رسانی و تبلیغ مزایای فعالیت‌های ورزشی برای زنان از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی، سمینارها و همایش‌های منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی؛

انجام اقدامات فرهنگی در جهت پذیرش اجتماعی حضور زنان در اماکن و محیط‌های ورزشی؛

با توجه به اینکه پیاده‌روی و کوهنوردی از پرطرفدارترین ورزش‌های زنان ایلامی است، لازم است مسیرهای لازم طراحی شود و برنامه‌ریزی دقیقی برای کیفیت و امنیت مسیر صورت گیرد؛

منابع

- ابراهیمی، قربانعلی، نادر رازقی و رقیه مسلمی پطرودی (۱۳۹۰الف) «اوقات فراغت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۴۴: ۷۱-۹۸.
- ابراهیمی، قربانعلی، محمدرضا نیک‌نژاد و شهناز صداقت‌زادگان (۱۳۹۰ب) «تحلیل اجتماعی تفاوت‌های جنسیتی در فعالیت‌های ورزشی دانشجویان دانشگاه مازندران»، *پژوهش در علوم ورزشی*، شماره ۱۱: ۱۱۹-۱۳۲.
- براری، مرضیه؛ مرضیه مطهری اصل و سید جمال رضوی خراسانی (۱۳۹۱) «بررسی تاثیر عضویت در سازمان های مردم نهاد بر پایگاه اجتماعی اقتصادی زنان سرپرست خانوار»، *فصلنامه جامعه شناسی زنان*، سال سوم، شماره ۱: ۱۵۷-۱۸۰.
- بورديو، پی‌یر (۱۳۹۱) تمایز، نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی، ترجمه حسن چاووشیان، تهران: ثالث.
- پارسامهر، مهربان (۱۳۸۸) *جامعه‌شناسی ورزش*، یزد: دانشگاه یزد.
- پارسامهر، مهربان و محمدرضا نیک‌نژاد (۱۳۹۰) «نقش شبکه‌های اجتماعی در جذب دانش‌آموزان دختر به مشارکت در ورزش»، *پژوهش‌نامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی*، سال هفتم، شماره ۱۴: ۷۳-۸۶.
- پارسامهر، مهربان و سمیه جسمانی (۱۳۹۰) «نقش سرمایه اجتماعی بر مصرف ورزش (تماشای ورزش)؛ مطالعه جوانان شهر یزد»، *پژوهش در مدیریت ورزش و رفتار حرکتی*، سال اول، شماره ۱۷: ۷۳-۸۴.
- پناهی، محمدحسین و شهناز صداقت‌زادگان (۱۳۹۱) «منابع قدرت و تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزش بانوان»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره دهم، شماره ۱: ۵-۲۲.
- تندنویس، فریدون (۱۳۸۰) «جایگاه ورزش در اوقات فراغت زنان ایرانی»، *فصلنامه حرکت* شماره ۱۲: ۸۷-۱۰۴.
- خدانهای، محمدرکیم؛ آرزو اصغری؛ بهرام صالح صدق پور؛ ژبلا کتیبایی (۱۳۸۸) «ساخت، اعتباریابی و رواسازی پرسشنامه حمایت اجتماعی خانواده (مطالعه مقدماتی)»، *فصل نامه خانواده پژوهی*، شماره ۲۰: ۴۲۳-۴۳۹.
- تجاری، فرشاد (۱۳۹۴) *جامعه‌شناسی اوقات فراغت*، تهران: جامعه‌شناسان.
- جسمانی، سمیه (۱۳۸۸) بررسی عوامل مؤثر بر مصرف ورزش در بین جوانان شهر یزد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی دانشگاه یزد.
- حسینی، سیده وحیده و همکاران (۱۳۹۲) «درک دختران نوجوان و والدینشان از نقش خانواده در شکل گیری رفتار فعالیت بدنی در دختران»، *رشد و یادگیری حرکتی*، شماره ۱۳: ۶۱-۷۷.
- دوفرانس، ژاک (۱۳۸۵) *جامعه‌شناسی ورزش*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات توتیا.

- رحمت آبادی، الهام و حبیب آقابخشی (۱۳۸۵) «سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان»، فصل نامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۰: ۲۳۵-۲۵۳.
- قاسمی سیانی، مجتبی؛ سیدمحمدحسین رضوی و مرتضی دوستی (۱۳۹۴) «نقش رسانه های گروهی در گرایش مردم به ورزش همگانی با تاکید بر آمادگی جسمانی (مطالعه موردی: شهر بابلسر)» پژوهش های کاربردی در مدیریت ورزشی، سال چهارم، شماره ۱۳: ۷۱-۸۰.
- ریاحی، محمداسماعیل؛ اکبر علی وردی نیا و سیده زینب پورحسین (۱۳۸۹) «بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی و سلامت روان» فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۹: ۸۵-۱۲۱.
- سی فانک، دانیل (۱۳۹۲) رفتار مصرف کننده در ورزش و رویداد، ترجمه فرشاد تجاری و زینب ابودردا، تهران: حتمی.
- شکری، امید؛ محمدنقی فراهانی، رضا کرمی نوری و علیرضا مرادی (۱۳۹۱) «حمایت اجتماعی ادراک شده و تنیدگی تحصیلی: نقش تفاوت های جنسی و فرهنگی، فصلنامه روانشناسی تحولی» روان شناسی ایرانی، سال نهم، شماره ۳۴: ۱۴۳-۱۵۶.
- صادقیان، زهرا، سیدعماد حسینی و فرزاد فرزاد (۱۳۹۳) «بررسی نقش رسانه های جمعی در گرایش مردم شهر همدان به ورزش همگانی»، پژوهش نامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی، سال دهم، شماره ۲۰: ۳۵-۴۴.
- صفرزاده، سحر (۱۳۸۹) «مقایسه خوداثربخشی، سلطه گری و حمایت اجتماعی بین زنان ورزشکار و غیرورزشکار شهر اهواز»، زن و فرهنگ، دوره یک، شماره ۳: ۷۷-۸۹.
- ضیاءپور، آرش و ندا کیانی پور (۱۳۹۱) «تأثیر الگوهای مشارکت در فعالیت های ورزشی»، جامعه شناسی مطالعات جوانان، سال سوم، شماره ۶: ۹۱-۱۰۸.
- عریضی، فروغ، فریدون وحیدا و مهربان پارسامهر (۱۳۸۵) «بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر مشارکت زنان در فعالیت های ورزشی (مطالعه موردی: زنان استان مازندران)»، المپیک، شماره ۳۳: ۷۷-۸۶.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲) مصرف و سبک زندگی، تهران: صبح صادق.
- فتحی، سروش (۱۳۸۴) «بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر گرایش به ورزش در بین دانشجویان ورزشکار»، جامعه شناسی، سال اول، شماره ۴: ۷۳-۱۰۴.
- فتحی، سروش (۱۳۸۸) «تبیین جامعه شناختی مشارکت ورزشی دانشجویان»، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره ۴: ۱۴۶-۱۷۳.
- فرج زاده، شهرزاد، سیدمحمد کاشف و سیدمهدی آقابور (۱۳۹۴) «شناسایی و تحلیل عوامل تأثیرگذار بر فرهنگ پذیری ورزش از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه ارومیه»، پژوهش های معاصر در مدیریت ورزشی، سال پنجم، شماره ۹: ۱۱-۲۲.
- قائدی، هادی، رضا نوبخت و عبدالحمید دانشجو (۱۳۸۹) «تأثیر حمایت اجتماعی و عوامل جمعیت شناختی بر مشارکت زنان در فعالیت های ورزشی (مطالعه موردی: زنان شهر لامرد)»، زن و بهداشت، شماره ۲: ۱۹-۱.

قاسم‌نژاد، مه‌پری (۱۳۸۹) «تفاوت‌های جنسیتی در ادراک دانشجویان از حمایت‌های محیطی و اجتماعی برای مشارکت در فعالیت بدنی»، *رفتار حرکتی و روان‌شناسی ورزشی*، شماره ۷: ۷۹-۹۰.

قاسمی، وحید (۱۳۸۹) *مدل‌سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Amos Graphics*. تهران: جامعه‌شناسان.

قاسمی، حمید، فرشاد تجاری و سارا کشکر (۱۳۸۹) *فعالیت‌های رسانه‌ای در ورزش*. تهران: بامداد کتاب.

کوکلی، جی (۱۳۸۶) *ورزش در جامعه* (جلد ۱ و ۲)، ترجمه بهرام قدیمی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

مازیاری، محمد، سیدمحمد کاشف و میرحسن سیدعامری (۱۳۹۲) «تحلیل کانونی رابطه‌ی حمایت اجتماعی و بی‌انگیزگی دانش‌آموزان در فعالیت‌های تربیت بدنی»، *مدیریت و توسعه ورزش*، شماره ۱ (پیاپی ۴): ۱۱۷-۱۳۴.

معتمدی شلمزاری، عبدالله و همکاران (۱۳۸۱) «بررسی نقش حمایت اجتماعی در رضایتمندی از زندگی، سلامت عمومی و احساس تنهایی در بین سالمندان بالاتر از ۶۰ سال»، *مجله روان‌شناسی*، سال ششم، شماره ۲: ۱۱۵-۱۳۳.

معین‌الدینی، جواد و علیرضا صنعت‌خواه (۱۳۹۱) «عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر گرایش شهروندان به ورزش همگانی»، *مطالعات شهری*، سال دوم، شماره ۳: ۱۴۹-۱۷۸.

نادریان جهرمی، مسعود (۱۳۸۴) *مبانی جامعه‌شناسی در ورزش*، اصفهان: هنرهای زیبا.

نقدی، اسدالله، اسماعیل بلالی و پروین ایمانی (۱۳۹۰) «موانع فرهنگی-اجتماعی مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی»، *پژوهش زنان*، دوره نهم، شماره ۱: ۱۴۷-۱۶۳.

ویس، اتمار (۱۳۸۹) *مبانی جامعه‌شناسی ورزش*، ترجمه کرامت‌الله راسخ، تهران: نی.

یوسفی، بهرام، علی‌اشرف خزائی و اکرم قبادی یگانه (۱۳۹۲) «شناسایی و رتبه‌بندی عوامل انگیزشی در مصرف مجازی ورزش فوتبال در پسران نوجوان ایرانی»، *مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی*، سال اول، شماره ۲: ۳۱-۳۹.

Allison, K.R., Dwyer, J, J.M., & Makin, S (1999) "Self - efficacy and participation in vigorous physical activity by high school students". *Health Education and Behavior*, 26: 12-24.

Berger, E., Reilly, N (2008) "Determinants of sport participation among Canadian adolescents", *Sport Management Review*, 11: 277-307.

Brown, B. B (1999) "You're Going Out with Who?: Peer Group Influences on Adolescent Romantic Relationships". In *The Development of Romantic Relationships in Adolescence*, ed. W. Furman and B. B. Brown. New York: Cambridge University Press.p, 6.

Collins, S. M (2003) Attachment, social support and loneliness in later life, Ph.D. dissertation, Iowa state University.

Caruso, R. (2011) "Crime and sport participation: evidence Italian regions over the period 1997-2003", *Journal of Socio -Economics* , 40: 455-463.

Chalabaev, A., Sarrazin, PH., Fontayne, P., Boiche,J., Guillotin, C (2013) "The influence of sex stereotypes and jender roles on participation and

- performance in sport and exercise: Review and future directions”, *Psychology of Sport and Exercise*, 14: 136- 144.
- Cohen, S (2004) “Social relationships and health” *American Psychologist*, 59: 676-684.
- Cohen, P. J. (1991) “An exploratory study on peak performance in golf”, *The sport Psychologist*, 5:1-14.
- Drentea, P., et al (2006) “Predictors of Improvement in social support”, *Journal of Aging and Health*, 15(4):16-44.
- Dollman, J., Lewis, N (2010) “The impact of socioeconomic position on sport participation among south Australian youth”, *Journal of Science and Medicine in Sport*, 13: 318-322.
- Godin, G., Valois, P., Shephard, R. J. and Desharnais, R (1987) “Prediction of leisure-time exercise behavior: A path analysis (LISREL V) model”. *Journal of Behavioral Medicine* 10: 145-158.
- Huang, H., Humphreys, B (2012) “Sports participation and happiness: Evidence from us microdata”, *Journal of Economic Psychology*, 33: 776-793.
- Jones, H. Moore, S. (2012) “Network social capital, social participation and physical inactivity in an urban adult population”, *Social Science and Medicine*, 74: 1362-1367.
- Lasheras L, Aznar S, Merino B, Lopez EG (2001) “Factors associated with physical activity among Spanish youth through the National Health Survey”. *Prev Med*; 32:455–64.
- Leslie, E., Cerin, E (2008) “How socio-economic status contributes to participation in leisure-time physical activity”, *Social Science and Medicine*, 66: 2596-2609.
- Lim, S., Warner, S., Dixon, M., Berg, B., Kim, C.H., Bailey, N. (2011) “Sport participation across national contexts: A multilevel investigation of individual and systemic influences on adult sport participation”, *European Sport Management Quarterly*, 11,(3): 197-224.
- Lindstrom, M., Hanson, B., Ostergern, P (2001) “Socioeconomic differences in leisure-time physical activity: the role of social participation and social capital in shaping health related behavior”, *Social Science and Medicine*, 52: 441-451.
- Lindström, M (2011) “Social capital, desire to increase physical activity and leisure-time physical activity: A population-based study”. *Public Health*; 125:442-447.
- Laura, J. F. Graham, J. R. Naomi, S (2007) “Social support, self- esteem, and stress as predictors of adjustment to university among first – year undergraduates”. *Journal of College Student Development*, 48 (3): 259-274.
- More, M., Chudley, E (2005) “Sport and physical activity participation and substance use among adolescents”, *Journal of Adolescent Health*, 36: 486-493.

- Pastor, Y., Balaguer, I., Pons, D., Merita, M (2003) "Testing direct and indirect effects of sports participation on perceived health in Spanish adolescents between 15-18 years of age", *Journal of Adolescence*, 26: 717-730.
- Pfeiffer, K., et al (2006) "Sport participation and physical activity in adolescent females across a four- year period", *Journal of Adolescent Health*, 39: 523-529.
- Prinstein, M. J.; Boergers, J.; and Spirito, A (2001) "Adolescents' and Their Friends' Health-Risk Behavior: Factors That Alter or Add to Peer Influence." *Journal of Pediatric Psychology* 26 (5):287-298.
- Putnam, R.D (2000) *Bowling Alone: The collapse and revival of American community*, Simon and Schuster, New York
- Rees, D., Sabia, J. (2010) "Sports participation and academic performance: Evidence from the National longitudinal study of Adolescent Health", *Economics of Education Review*, 29: 751-759.
- Sallis, J.F., & Owen, N (1999) *Physical activity and behavioral medicine*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Sallis, J.F., Prochaska, J.J., & Taylor, W.C (2000) "A review of correlates of physical activity of children and adolescents". *Medicine and Science in Sports and Exercise*, 32: 963-975.
- Skinner, J. Zakus, D. (2008) "Development through sport: Building social capital in disadvantaged communities", *Sport Management*, 11: 253-275.
- Slater, A., Tiggemann, M (2011) "Gender differences in adolescent sport participation teasing self – objectification and body image concerns", *Journal of Adolescence*, 34: 455-463.
- Summers, M., Johnsonmorgan, M., & Kanoyangwa, R (2005) *Teenage Motivations for Sport - Related Consumption in Australia*, University of Southern Queensland.
- Tonts, M, (2005) "Competitive sport and social capital in rural Australia", *Journal of Rural Studies*, 21: 137-149.